

The Relationship Between Protective Hijab and Islamic Citizenship Rights with Reference to the Constitution

1. Seyedeh Zahra Sajjadi: PhD Student of Quran and Hadith Sciences, Kaz.C., Islamic Azad University, Kazerun, Iran
2. Ali Akbar Aref*: Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Kaz.C., Islamic Azad University, Kazerun, Iran. Email: arefaliakbar@yahoo.com (Corresponding Author)
3. Mohsen Zareie Jalyani: Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Kaz.C., Islamic Azad University, Kazerun, Iran

ABSTRACT

Hijab is one of the fundamental rulings of Islamic Sharia, encompassing both individual and social dimensions. The social aspects of hijab are closely related to the citizenship rights of individuals. For this reason, the present study addresses the connection between hijab and citizenship rights by referencing principles of the Constitution. The central question posed is: In what ways can protective hijab contribute to Islamic citizenship rights? The findings of the study demonstrate that lack of hijab is detrimental both to individuals and society; it undermines the rights of other citizens in an Islamic society. Moreover, based on the principle of rights and duties, citizens in an Islamic community have a significant responsibility to observe social norms and promote good behavior. Ultimately, protective hijab serves as a guarantor of collective well-being within the family and the broader society. Neglecting this obligation constitutes a violation of citizenship rights in society, given that hijab—like any other right—must be respected as a normative standard by other members of the community. Although the issue of hijab is not explicitly addressed in the Constitution, Article 4 of the Constitution mandates that all laws and regulations must be based on Islamic principles, thereby legitimizing the societal expectation of religious dress codes. Furthermore, Article 638 of the Islamic Penal Code (ratified in 2013) classifies public unveiling as a criminal offense. Practical strategies for realizing the concept of protective hijab include promoting a culture of modesty based on moderation within the family unit, and subsequently, establishing a comprehensive law regarding hijab in Islamic society. This study employs a descriptive-analytical method and utilizes library resources as its primary tool of data collection.

Keywords: *Hijab, Protective Hijab, Islamic Citizenship, Constitution.*

How to cite: Sajjadi, S. Z., Aref, A. A., & Zareie Jalyani, M. (2025). The Relationship Between Protective Hijab and Islamic Citizenship Rights with Reference to the Constitution. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(4), 1-14.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 23 March 2025
Revise Date: 23 April 2025
Accept Date: 03 May 2025
Publish Date: 23 November 2025



رابطه حجاب مصونیت‌ساز و حقوق شهروندی اسلامی با نگاهی به قانون اساسی

۱. سیده زهرا سجادی: دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران
۲. علی اکبر عارف*: استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران. پست الکترونیک: arefaliakbar@yahoo.com (نویسنده مسئول)
۳. محسن زارعی جلیانی: استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران

چکیده

حجاب از جمله احکام مهم شریعت اسلام است که دارای سویه‌های فردی و اجتماعی می‌باشد. ابعاد اجتماعی حجاب با حقوق شهروندی افراد مرتبط است و به همین دلیل، پژوهش حاضر به ارتباط حجاب و حقوق شهروندی با نگاهی به اصول قانون اساسی پرداخته است. پرسش این است که حجاب مصونیت‌ساز از چه راههایی می‌تواند به حقوق شهروندی اسلامی کمک نماید؟ نتایج تحقیق نشان داد که بی‌حجابی، امری زیان‌آور برای فرد و اجتماع است؛ نافی حقوق سایر شهروندان در جامعه اسلامی است. همچنین شهروندان بر مبنای اصل حق و تکلیف در جامعه اسلامی، نسبت به رعایت هنجارها و دعوت به معروف و موعظه مهمی بر عهده دارند. در نهایت اینکه حجاب مصونیت‌ساز، تضمین‌کننده خیر جمعی در قانون خانواده و جامعه است و بی‌توجهی به آن، نقض حقوق شهروندی در جامعه است. به این دلیل که حجاب نظیر هر حق دیگری می‌بایست برای سایر افراد جامعه به عنوان یک هنجار محترم شمرده شود. هرچند بحث حجاب به‌طور دقیق در قانون اساسی مطرح نشده است، اما اصل چهارم قانون اساسی با بیان اینکه کلیه قوانین و مقررات باید بر پایه موازین اسلامی باشد، پوشش افراد جامعه را بر مبنای احکام دین صادر کرده است. یا در ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، بی‌حجابی در انتظار عمومی به عنوان یک جرم تلقی شده است. راهکارهای عملی شدن حجاب مصونیت‌ساز، ارتقای فرهنگ غیرت بر مبنای اعتدال در خانواده و سپس ایجاد یک قانون جامع در رابطه با حجاب در جامعه اسلامی است. در مقاله حاضر از روش توصیفی-تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای استفاده شده است.

واژگان کلیدی: حجاب، حجاب مصونیت‌ساز، شهروندی اسلامی، قانون اساسی.

نحوه استناددهی: سجادی، سیده زهرا، عارف، علی اکبر، و زارعی جلیانی، محسن. (۱۴۰۴). رابطه حجاب مصونیت‌ساز و حقوق شهروندی اسلامی با نگاهی به قانون اساسی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۷(۴)، ۱۴-۱.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۳ فروردین ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۳ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۲ آذر ۱۴۰۴

حقوق شهروندی در هر جامعه‌ای، بسته به شرایط اقتصادی و اجتماعی، عادات و رسوم فرهنگی و باورها و هنجارهای جامعه با یکدیگر تفاوت دارند. به همین دلیل است که از انواع شهروندی در جوامع مختلف سخن به میان می‌آید و هر قانون اساسی یا قوانین داخلی کشورهای مختلف تلاش دارند تا شیوه خاصی از قانونگذاری را در ارتباط با حقوق شهروندان پیاده نمایند. در جامعه ایران پس از انقلاب هم به دو دلیل، حقوق شهروندی اسلامی با نگاهی به ارزش‌ها و هنجارهای جامعه تنظیم شده است. هرچند که در قانون اساسی، سخنی از حقوق شهروندی نیامده است، اما اگر مرکزیت حقوق شهروندی، روابط برابر و مبتنی بر عدالت و آزادی‌های فردی و جمعی باشد، قانون اساسی به این موضوع توجه نشان داده است (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۲: ۶۷). حقوق ملت در قانون اساسی با توجه به مبنا بودن شریعت اسلام تنظیم شده که در آن، بر نقش تعالیم دینی در شکل‌دهی به قوانین و مقررات تأکید شده است. به همین دلیل می‌توان با توجه به تعالیم شریعت، برخی از ارزش‌های دینی از جمله حجاب را به عنوان حقی شهروندی در نظر گرفت که نیازمند توجه و ملاحظات مربوط به آن است. با این حال، حقوق شهروندی در اصول دیگر قانون اساسی نیز بیان شده است؛ از جمله در اصول ۱۹ تا ۲۷ قانون اساسی یا در فصل سوم قانون اساسی با عنوان «حقوق ملت»، می‌توان ابعاد و زوایای حقوق شهروندی را مشاهده نمود. به هر حال پابندی افراد جامعه به باور و هنجار حجاب، نشانگر آن است که این دغدغه برای شهروندان و نظام سیاسی، از اهمیت خاصی برخوردار بوده و وجود آن در جامعه به معنای رضایت شهروندان و عدم سلب آسایش و آرامش سایر افراد جامعه است. بر این اساس، میان حجاب و حقوق شهروندی در جامعه اسلامی ارتباطات مهمی وجود دارد که در این پژوهش بدان پرداخته می‌شود.

حجاب از احکام و دستورات دین اسلام و در آیات و روایات به آن توجه زیادی نشان داده شده است. از طرف دیگر، داشتن پوشش مناسب به صورت معمول در ادیان و مذاهب و نظام‌های اجتماعی در طول تاریخ مورد توجه بوده و این موضوع در جامعه ایران از دیرباز اهمیت خاصی داشته است. با پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس قانون اساسی جدید، لزوم پیاده شدن احکام شریعت در جامعه، از جمله در عرصه پوشش افراد جامعه را نیز مطرح کرده است. به این دلیل که پذیرش اصول و قواعد اسلامی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و استنباط اصول قانون اساسی و سایر قوانین از دل این آموزه‌ها به معنای آن است که ارزش‌هایی نظیر حجاب، نقش مهمی در زیست مسالمت‌آمیز اعضای جامعه اسلامی دارند. به این دلیل که حجاب از توصیه‌های دین اسلام بوده و رعایت حدود و معیارهای آن برای اعضای جامعه امری مهم و در راستای احترام گذاشتن به حقوق سایر اعضای جامعه است. ضمن اینکه حساسیت نسبت به حقوق اعضای جامعه باعث شده تا از «حجاب مصونیت‌ساز» سخن گفته شود تا بتوان ضمن محترم شمردن باورهای زنان نسبت به پوشش، حقوق معنوی سایر افراد را نیز محفوظ نگه داشت و گامی برای سالم‌سازی جامعه از حیث تهدیدات علیه زنان و کانون خانواده برداشت. بنابراین با توجه به این ضرورت، پژوهش حاضر درصدد است تا ارتباط حجاب مصونیت‌ساز را با حقوق شهروندی با بررسی اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بررسی نماید و به این دغدغه مهم پاسخ دهد: حجاب مصونیت‌ساز از چه راه‌هایی باعث تحقق حقوق شهروندی اسلامی می‌شود؟

پیشینه تحقیق

پیرامون بحث حجاب، تحقیقاتی انجام شده که به برخی از جدیدترین تحقیقات در این زمینه اشاره می‌شود:

زاهدیان و صدری ارحامی (۱۳۹۹)، در مقاله «بررسی جایگاه حجاب در حقوق بشر از دیدگاه نظریه جهانشمولی و نسبی‌گرایی» به این نتایج دست یافتند که برخی قوانین کشورهای مختلف در ارتباط با حجاب، بیش از آنکه به دنبال جلوگیری از حجاب باشد، نقض حقوق شهروندان

است. در فرانسه این رویه دیده شده است که قوانینی برای جلوگیری از پوشش انجام شده که در تعارض با اصل آزادی بیان و پوشش در همین کشورها است (Zahedian & Sadri Arhami, 2020).

مالکی بروجنی (۱۳۹۶) در مقاله «نسبت حجاب، حقوق بشر و شهروندی» این گونه نتیجه گرفته است که حق آزادی توأم با مسئولیت است و حجاب به عنوان یک رفتار اجتماعی، نیازمند درک همین مسئولیت است که در برخورد با دیگران، باعث ایجاد آزار میان آنان نشود. زیرا بی‌حجابی به عنوان اخلال در نظم عمومی محسوب شده که موجبات تضییع حقوق شهروندی را در پی خواهد داشت (Maleki Boroujeni, 2017).

گودرزی (۱۳۹۶)، در مقاله «حق پوشش زن و انقلاب اسلامی» نتیجه گرفته است که از منظر اصالت فردی و اصالت جمعی، حق پوشش زن اگرچه یک حق فردی است، اما در عرصه اجتماعی نیازمند ملاحظه حقوق دیگری است که به معنای تقدم حقوق جمعی بر فردی است. بنابراین در ملاحظات حقوق افراد باید همواره بر نقش حقوق آحاد جامعه برای ملاحظه یک حق توجه نشان داد (Goudarzi, 2017).

غلامی (۱۳۹۲)، در مقاله «مبانی نظری مداخله دولت در مسأله حجاب» این نتیجه را به دست آورده است که فقدان گزارش تاریخی بر مبنای بی‌توجهی دولت و حکومت اسلامی به موضوع حجاب نشان‌دهنده آن است که دولت برای جلوگیری از تضییع حقوق سایر افراد جامعه و ترویج احکام اسلامی می‌بایست در مسأله حجاب مداخله نموده و زمینه‌ساز آرامش در جامعه شود. ضمن اینکه رعایت محدوده‌های مربوط به احکام و قوانین نیازمند در نظر گرفتن سازوکارهایی برای مقابله با بی‌هنجاری‌ها در جامعه است که در نظام اسلامی نیز به شکل قابل توجهی، نقش دولت در اجرای احکام برجسته است که موضوع پوشش و حجاب یکی از آنان است (Gholami, 2013).

هریک از مقالات فوق، اهمیت حجاب در جامعه اسلامی، نقش دولت و ضرورت ملاحظه آن به عنوان حقوق عمومی را مدنظر قرار داده اند. از این جهت محور پژوهش حاضر نیز بررسی حجاب به عنوان حق شهروندی است و با مقالات یاد شده دارای اشتراک موضوعی است. اما در ارتباط سنجی میان حجاب مصونیت‌ساز و حقوق شهروندی اسلامی از منظر قانون اساسی، مطالعه خاصی انجام نشده است که در این پژوهش بدان پرداخته می‌شود.

حقوق شهروندی اسلامی

حقوق شهروندی اسلامی دارای ابعاد مختلفی از جمله: کرامت، عدالت، آزادی و احترام به نفس است. درباره کرامت باید گفت که در آیه ۷۰ سوره اسراء این‌گونه بیان می‌شود: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُوهِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء / ۷۰). «ما آدمی‌زادگان را گرامی داشتیم؛ و آن‌ها را در خشکی و دریا، (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم؛ و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آن‌ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم، برتری بخشیدیم». با مذاقه در آیه فوق این نکته قابل دریافت است که کرامت انسانی از جمله موارد مهم و مؤکد در حقوق شهروندی اسلامی است. زیرا حق اولیه هر انسانی، ایجاد زمینه‌ای مناسب جهت رشد و تعالی است و در این میان، محیط زندگی اجتماعی وی، عامل مؤثری محسوب می‌شود. پس شرایط محیط و زندگی اجتماعی انسان باید به نحوی باشد که زمینه رشد، توسعه و کمال را برای افراد فراهم نماید (Makarem Shirazi, 1995). علاوه بر این، حقوق شهروندی اسلامی به عدالت توجه خاصی نشان داده است. بدین معنا که لازمه برقراری عدالت و اقامه قسط در جامعه، داشتن حق شهروندی مناسبی است که هم وظیفه‌ای برای شهروند ایجاد می‌کند و هم از وظایف حاکم و حکومت اسلامی است. عدالت و حقوق شهروندی در نزد اسلام به یکدیگر پیوسته هستند. همان‌گونه که در قرآن مجید، به این آرمان عظیم انسانی فرمان می‌دهد و چنین می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ

الإِحْسَانِ» (نحل / ۹۰). یعنی: «خداوند، به عدل و احسان، فرمان می‌دهد». همچنین در همین زمینه امام علی (ع) در تفسیر این آیه چنین می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ: الْإِحْسَانُ: الْإِحْسَانُ الْتَفَضُّلُ». (نهج البلاغه، قصار الحكم؛ ۲۳۱). «خداوند حکم به به عدل و احسان داده است و عدالت، همان انصاف است و احسان، همان بخشندگی». بر این اساس، قرآن و معصومین (ع)، هدف والای همه انبیاء را برقراری عدالت بر روی زمین در نظر گرفته اند که در یکی از این آیات، خداوند متعال چنین می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید/ آیه ۲۵). «ما رسولان خود را با دلائل روشن فرستادیم، و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسائی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند».

قسط و عدل از اهداف مهم و آمال هر انسان و نظام اجتماعی است که البته در سایه شناخت انسان از خویشین میسر خواهد شد. با توجه به رویکرد دینی حاکم بر حقوق شهروندی اسلامی این نتیجه حاصل شده است که یکی دیگر از مبانی حقوق شهروندی اسلامی، حق وی نسبت به شناخت از خود و پی بردن به جایگاه واقعی‌اش در جهان هستی و نظام آفرینش است. زیرا با این شناخت به تکالیف و مسؤولیت خود به عنوان اشرف مخلوقات مخلوق پی خواهد برد. این حق در نزد امام سجاد (ع) نیز مورد توجه قرار گرفته و از نظر ایشان، اولین حق انسان، حق نفس است (Motahhari, 2009). بنابراین شناخت خویشتن، برخورد عادلانه با یکدیگر، احترام به ممنوع خود، همکاری و همیاری اجتماعی و تلاش برای تقویت معنویت و رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی از اهداف حقوق شهروندی اسلامی به شمار می‌روند. در این میان برای عملی شدن این حقوق، داشتن رفتاری مناسب با آموزه‌های شرعی نقش مهمی در تحقق و ترویج الگوی مطلوب حقوق شهروندی اسلامی دارند که داشتن پوشش و حجاب مناسب و عقیفانه یکی از آنان است.

ارتباط حجاب و حقوق شهروندی اسلامی

اگر نقش تعالیم دینی در شکل‌دهی به قوانین و مقررات در قانون اساسی و جامعه اسلامی ایران، ملاک قرار گیرد، ارزش‌ها و هنجارهای دینی نظیر حجاب نیز بخشی از اعتقادات، عادات و فرهنگ عامه مردم محسوب می‌شوند که نیازمند در نظر داشتن محدوده، مصادیق و معیارهای مربوط به آن است. ضمن اینکه حجابی که بتواند در جامعه اسلامی مبتنی بر تعالیم دینی باشد، از نوع مصونیت‌ساز است که در ادامه به ارتباط آن با حقوق شهروندی پرداخته می‌شود.

- ضرر نرساندن به حقوق دیگران

ضرر نرساندن به دیگری وجه مهمی از حقوق شهروندی اسلامی است که ریشه آن در قاعده فقهی «لاضرر» است. براساس قاعده «لاضرر و لاضرار فی الاسلام»، در اسلام ضرر دیدن و ضرر رساندن وجود ندارد» (Makarem Shirazi, 2012). این وجه سلبی از قاعده یاد شده به معنای آن است که انسان در زندگی روزمره نباید به نحوی رفتار کند که به خود یا دیگری آسیب برساند. علاوه بر ضرر نرساندن به دیگر، در جامعه اسلامی، شهروندان باید در امور معنوی و خیر از یکدیگر پیشی گیرند و زمینه را برای ترغیب هرچه بیشتر مردم به ارزش‌ها و هنجارهای دینی فراهم نمایند. بنابراین رفتار شهروندان در زمینه حجاب مصونیت‌ساز به نحوی باید باشد که ضمن ضرر نرساندن به خود و با ایجاد رنجش و آزار برای دیگری، زمینه را برای ترویج ارزش‌های دینی فراهم نمایند. زیرا شهروندان در نظام اسلامی، در راه رسیدن به امور معنوی با یکدیگر رقابت دارند و اموری معنوی نیز که در تزام با آسایش و رفاه دیگران قرار ندارد، باعث پیشقدمی آنان از یکدیگر می‌شود (Javadi Amoli, 2007). بنابراین حتی رقابت برای پوشش مطلوب و مصونیت‌ساز به معنای خیر و صلاح جامعه اسلامی تلقی شده و ضمن دفع ضرر به خود و دیگری، آرامش روانی را به فرد و جامعه تزریق می‌نماید.

اگر بی‌حجابی و بد پوششی در جامعه اسلامی، ضرری برای فرد و دیگران است، در این صورت جست و جوی عواملی که بتواند مانع این عمل زیان‌آور شود، امری ضروری است. زیرا اگر عاملی بازدارنده نباشد فساد و تباهی جامعه را فرا می‌گیرد و بدون ترتیب یکی از موانع مهم بد پوششی و بی‌حجابی، عامل بازدارنده غیرت است. غیرت یکی از اسباب خشنودی خداوند است (Tabatabai, 1995). غیرت ورزی مرد سبب می‌شود حجاب زن چه در محیط خانواده و چه در بیرون محیط و در تعامل با سایر شهروندان جامعه رعایت شود. هم چنین در روایتی از رسول خدا -صلی الله علیه و آله- و سلم آمده است: که خداوند هفت نفر را لعنت کرده است که یکی از آنها فردی است که نسبت به پوشش زنش بی‌توجه باشد (Sheikh Saduq, 2002). روشن است که بی‌غیرتی از جانب شوهر امری خطرناک و عواقبی سخت دارد. زیرا مرد بی‌غیرت جزء هفت نفر از گروهی است که خداوند آنان را لعنت کرده است و لعن شدن وی به دلیل مراعات حقوق سایر افراد جامعه است که در معرض گناه قرار نگیرند. بنابراین غیرتمندی مرد، صفت شایسته‌ای است که در صدف وجود مرد قرار داده شده تا با داشتن این گوهر گرانبها خود و اهل خود را از ناپاکی‌ها مبرا داشته و کمال را برای خود و خانواده‌اش، خلق نماید. در روایتی آمده است: «فرشتگان به زن بی‌حجابی که مرده است می‌خندند، زیرا آن زن تا وقتی که جوان بود و با دیدنش هر کسی را تحریک می‌نمود و باعث گناه می‌شد. پدر و مادر و شوهرش از خود غیرت نشان ندادند و او را نپوشاندند، ولی اکنون که مرده و همه از دیدنش نفرت دارند او را می‌پوشانند» (Meshkini, 2017). از این روایت به خوبی معلوم می‌شود که بی‌غیرتی، در زمینه‌ی حجاب و عفاف باعث تمسخر فرشتگان بعد از مرگ می‌شود و عقوبتی سخت دارد.

غیرت از سوی مرد نقش مهم و اثرگذاری، در رعایت عفت و در نهایت رعایت حجاب از جانب زن دارد. مرد غیور زنی عفیف و با حجاب دارد و مسلماً زنی عفیف همسری غیرتمند و شرافتمند دارد. در همین رابطه روایتی از پیامبر -صلی الله علیه و آله و سلم- نقل شده که فرمودند: «زنان! خود را با پوشش اندام و چشم از دید نامحرم باز دارید که زنان هرچه پوشیده‌تر باشند، خوشبخت‌تر هستند» (Qomi, 2017). در این روایت به خوبی نقش غیرت را به تصویر می‌کشد و پیامبر اکرم -صلی الله علیه و آله و سلم- از مردان می‌خواهد نسبت به همسران خود بی‌تفاوت نباشند. اما از جهت وظیفه‌ای که افراد جامعه در قبال رعایت حجاب و یا توصیه به دیگران دارند، رعایت اعتدال بسیار مهم و سازنده است. یعنی روشی که در آن افراط و تفریط نباشد، زیرا تبعات سویی در بر دارد و نتیجه‌ی معکوس و اثرات منفی به دنبال خواهد داشت. لزوم رعایت این روش مسالمت‌آمیز از سوی شوهر و مرد خانواده، امری حیاتی است و هرگونه کاستی از طرف مرد نیز امری جبران‌ناپذیر خواهد بود. در همین رابطه پیامبر اکرم -صلی الله علیه و آله و سلم- فرمودند: «که خداوند تبارک و تعالی حتی از مرد درباره‌ی خانواده‌اش بازخواست می‌کند» (Majlesi, 1983). بنابراین مسئولیت مرد در خانواده و جامعه در ارتباط با حجاب بسیار مهم خواهد بود. این در شرایطی است که اگر پابندی به حجاب به عنوان یک هنجار و حقی شهروندی یا حق‌الناس تلقی شود، لزوم احترام به آن بسیار مهم و حیاتی است. قرآن مجید به مؤمنان یادآور می‌شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»؛ ای کسانی که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اید! خود و خانواده‌تان را از آتش دوزخی که مردم و سنگ‌ها، هیزم و آتش آنند، حفظ کنید که مأموران آتش، فرشتگانی بسیار سخت دلند که هرگز نافرمانی خدا نمی‌کنند و آنچه به آن‌ها گفته می‌شود، فوراً انجام می‌دهند.^۱ هم‌چنین در آیه‌ی شریفه‌ی دیگری آمده است که در روز قیامت وقتی انسان‌های ظالم روانه جهنم می‌شوند، آن‌ها با حالت نگرانی و ذلت با گوشه‌ی چشم بر آتش دوزخ نگاه می‌کنند و در آن حال، مؤمنان خطاب به ظالمان می‌گویند:

^۱ تحریم، آیه ۶

«إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ... آری زیانکاران کسانی هستند که خود و خانواده‌شان در امروز که قیامت است ضرر کرده اند.»^۱

این آیات و سفارشات معصومین به ما هشدار می‌دهند که انسان علاوه بر آن که مسئول اعمال خویش است، باید در همه حال از کسانی که وابسته به او هستند (همچون زن، دختر، خواهر، فرزند، برادر و...) نیز مراقبت به عمل آورد تا آنان را از کج روی و گناه باز داشته شوند. در این مسیر سازنده، باید آنان را کنترل نمود و از برآوردن خواسته‌های نابجای آنان پرهیز شود. امام صادق_علیه السلام_ می‌فرماید: رسول خدا_صلی الله علیه وآله_ فرمود: «کسی که از زنش اطاعت نماید، خداوند او را به صورت در آتش می‌اندازد. پرسیده شد: آن اطاعت چیست؟ فرمود: این که زن درخواست رفتن به حمام‌ها و عروسی‌ها و مراسم عید و جشن‌ها و نوحه سرایی‌ها و یا پوشیدن لباس‌های نازک و بدن نما را داشته باشد و شوهر از او اطاعت کند» (Hur Amili, 1996). بنابراین در روایات نیز مصادیق بی‌حجابی و مرزهای حجاب مصونیت‌ساز معین شده است. هرچند در نتیجه این سهل‌انگاری و بی‌توجهی‌ها در مهمانی‌ها، جشن‌ها و صحنه‌های اجتماعی، با آشکار شدن زینت و زیبایی زنان، نگاه‌های شهوت انگیز متوجه آنان می‌شود و حوادث ناگواری رخ می‌دهد که ناقض هنجار پذیرفته شده حجاب به عنوان یک حق برای شهروندانی است که به آن پایبند هستند. در صورتی که این شرایط در جامعه وجود داشته و باعث ناهنجاری اجتماعی شود، اصل چهار قانون اساسی به دلیل تأکید بر پیاده شدن قوانین و مقررات بر مبنای اسلام، حق قانونگذاری داشته و نسبت به برخورد با هنجارشکنان وارد عمل شود.

– وجود رابطه حق و تکلیف

حقوق شهروندی دارای دو بُعد حق و تکلیف است و اگر حقی به شهروندان اعطا می‌شود، متناسب با آن تکلیف و مسؤولیتی نیز بر دوش وی می‌گذارد. به علاوه اینکه اگر شهروندان دارای حقوق و تکالیفی نسبت به یکدیگر هستند، شهروندان و نظام سیاسی نیز دارای حقوق و تکالیفی هستند که به صورت توأمان در حال پیش رفتن است و هیچ یک به طور مطلق، حق و یا به طور مطلق، تکلیف نیست (جاوید، ۱۳۹۲: ۳). در ارتباط با حجاب مصونیت‌ساز باید گفت که این تکلیف، باعث ایجاد یک جامعه عقیفانه می‌شود. در جامعه عقیفانه، شهروندان دارای مسؤولیت‌هایی هستند که به طور مشخص با حقوق سایر افراد جامعه ارتباط پیدا می‌کند. یعنی پوشش، گفتار و رفتار نباید به نحوی باشد که بدون مسؤولیت انجام شود. خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.. کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم باایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است.»^۲

رعایت مسؤولیت و تکالیف در زندگی اجتماعی از جمله در بحث حجاب نقش مهمی در آرامش اجتماع دارد. زیرا در این صورت است که زنان و دختران پاکدامن احساس امنیت و آرامش دارند (Akbari, 2002). در تأیید این دیدگاه باید بیان کرد که در زندگی اجتماعی بشر جهت تداوم زندگی نیازمند متعادل شدن غرایز بشر است تا در یک چارچوب محدود و معین به زندگی عادی ادامه دهند. به این دلیل که همواره میان تمایلات نفسانی و مصالح جمعی و زندگی اجتماعی، تضاد وجود دارد و در این شرایط، چاره‌ای جز نادیده گرفتن خواش‌های نادرست و غرایز نفسانی نیست. انسان باید که در راستای برطرف نمودن نیازهای نفسانی خود در عرصه اجتماعی، از آزادی مطلق و بی‌بندوباری دوری جوید و خواسته‌های نفسانی را در راستای مصالح جمعی تعدیل نماید. به این دلیل که در اسلام نیز انسانها در راستای برطرف کردن

^۱ شوری، آیه ۴۵

^۲ نور، آیه ۱۹

غرایز و خواهش‌های نفسانی خود نظیر سایر تمدن‌های مادی محدودیت‌هایی ایجاد کرده است، هرچند که هدف مکاتب مادی، تنها عمل پوشانیدن به نیازهای مادی و گذرا بوده و به همین دلیل محدودیت‌هایی در قالب قوانین، نظم و انضباط ایجاد کرده است. قوانینی که بیشتر با هدف بیشتر کردن لذات و نیازهای مادی انجام می‌شود، اما در اسلام، ضمن محترم دانستن نیازهای مادی، آرمان والایی در نظر گرفته شده و آن دستیابی به کمالات و ارزش‌های برتری انسانی است که مبنای زندگی بشر است (Falsafi, 2000). از جمله راهکارهای دین اسلام برای زندگی مسالمت آمیز و به دور از افراط و تفریط، عمل به داشتن یک پوشش مطلوب و مناسب است که در شرع نیز نحوه و سازوکارهای آن به همراه حدود آن معین شده است. بنابراین یکی از راههای تعدیل غرایز و برگزیدن روش اعتدالی، داشتن پوشش مناسب و رفتار عقیفانه در جامعه است. عفت و پاکی در نزد اسلام یک ارزش تلقی شده که شرع مقدس اسلام برای آن جایگاه ویژه‌ای لحاظ نموده است. با مداقه در آیات و روایات، به نحوی شایسته می‌توان این رویه را مشاهده نمود. پیامبر اکرم -صلی‌الله‌علیه‌وآله- در این باره بیان نموده است: «خداوند دوستدار انسان باحیا و بردبار و عقیف عفت‌ورز است» (Kulayni, 2014). بنابراین رابطه مهمی میان حجاب، جامعه عقیف و حفظ و حراست از حقوق شهروندی وجود دارد که هر شهروندی در جامعه اسلامی باید بدان توجه داشته باشد.

نکته‌ی قابل تأملی که در ارتباط با این روایت مطرح شده و مرحوم شیخ عباس قمی در کتاب شریف سفینه‌البحار به عنوان یکی از احتمالات در ذیل روایت مطرح نموده، این است که «عقیف، کسی است که دارای خلق و خوی با عفت و عفاف است و متعفف کسی است که خود را به عفت می‌زند و این‌گونه وانمود می‌کند که دارای عفت است و خود را به تکلف می‌اندازد که با عفت است» (Qomi, 2017). این حدیث پیامی را مطرح می‌نماید و آن هم اینکه خداوند حتی کسی را که خود را به عفت می‌زند و این‌گونه وانمود می‌کند، دوست دارد. بنابراین حجاب مصونیت‌ساز در جامعه اسلامی، عین ملاحظات حقوق دیگران است که نباید برخلاف نگاه آنان، فردی را نامناسب ببینند یا اینکه وادار به زندگی در یک اجتماع بدون حجاب و پوشش شوند.

- حجاب مصونیت‌ساز به مثابه خیر جامعه و خانواده

به طور کلی حقوق شهروندی با نیازها و مطالبات یک جامعه مرتبط است (Nash, 2010). بنابراین هر جامعه بنابر شرایط و وضعیتی که در آن قرار دارد، نوع خاصی از حقوق شهروندی را مدنظر قرار می‌دهد. در جامعه اسلامی، حجاب بخشی از دغدغه و مطالبه آحاد جامعه است. در هر صورت در جامعه اسلامی، حجاب مصونیت‌ساز کارکرد اجتماعی آشکاری دارد، زیرا فردی که در خانواده نسبت به حجاب و عفاف تعصب داشته و دیگر اعضای خانواده را به رعایت آن توصیه می‌کند، در جامعه نیز چنین رفتاری را الگوی خود قرار خواهد داد. بنابراین در نگرش اسلامی میان خانواده عقیف و جامعه عقیف و دستیابی به حقوق شهروندان از حیث حق آرامش و آسایش ارتباط وجود دارد. چنانچه غیرت مردان از بین برود حیای زنان خدشه‌دار می‌شود. در همین رابطه امام صادق -علیه السلام- در حدیثی فرمودند: «اگر زن عفت داشته باشد، به اندازه دنیا ارزشمند است و گرنه به خاک هم نمی‌ارزد» (Majlesi, 1983). زنی که در خانواده و نزدیکان نسبت به کارکرد حجاب و تأثیرات آن بر کانون خانواده احساس خوش‌بینی دارد، در جامعه، احساس مسئولیت کرده و آن را در راستای خیر جمعی در نظر می‌گیرد. در سوی دیگر، بنابراین انسان غیور همان طور که راضی نیست دامن ناموس خودش آلوده شود، راضی نیست دامن ناموس اجتماع هم آلوده گردد (Motahhari, 2009). از این منظر شکل‌گیری خیر جمعی در راستای خیر و معروف در خانواده است و اگر این خصیصه در خانواده تقویت شود، نتایج آن در جامعه نیز به شکل یک جامعه عقیف تجلی پیدا خواهد کرد. از نظر حضرت علی (علیه السلام): «غیور فردی است که هم خودش غیرت دارد و و از حریم خود مراقبت می‌کند و هم وارد حریم دیگری نخواهد شد. پس کسی که وارد حریم دیگری شود،

چنین فردی داری غیرت نیست». نتایج این دیدگاه پیوسته آن است که آن حضرت می‌فرماید: «ما زنی غیور قسط.. هیچ آدم غیرتمندی زنا نمی‌کند» (حکمت ۳۰۵). بنابراین خیر و صلاح جامعه بر مبنای عقل و روایات آن است که حریم افراد به عنوان حقی شهروندی محترم شمرده شود و لازمه آن، پوشش مناسب افراد و رعایت حقوق سایر افراد جامعه است.

نتایج چنین دیدگاه معروف و سازنده‌ای، ایجاد یک جامعه مبتنی بر خیر و نیکی است؛ به این علت که حس نوع دوستی و همکاری اجتماعی یکی از ضرورت‌های اساسی زیست اجتماعی است و دین اسلام نیز بر آن تأکید دارد (Mesbah Yazdi, 2016). در همین راستا، امام صادق (ع) بیان داشته است: «يَعِيشُ النَّاسُ بِإِحْسَانِهِمْ أَكْثَرَ مِمَّا يَعِيشُونَ بِأَعْمَارِهِمْ وَيَمُوتُونَ بِذُنُوبِهِمْ أَكْثَرَ مِمَّا يَمُوتُونَ بِأَجَالِهِمْ». «مردم بیش از آن که با عمر خود زندگی کنند، با احسان و نیکوکاری خویش زندگی می‌کنند و بیش از آن که به سبب فرا رسیدن اجل خود بمیرند، بر اثر گناهان خویش از دنیا می‌روند» (Majlesi, 1983). بنابراین اگر پوشش مناسب نوعی رفتار همسو با خیر جمعی در جامعه اسلامی است، خلاف آن گناه است، زیرا باعث نارضایتی سایر افراد جامعه می‌شود. به همین دلیل در حجاب مصونیت‌ساز عقیده بر این است که زنان نباید زینت خود را آشکار سازند جز آن مقدار که طبیعتاً ظاهر است: «وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا». زنان حق ندارند زینت‌هایی که معمولاً از دیگران پنهان است، آشکار سازند، هرچند اندامشان نمایان نشود و به این ترتیب، آشکار کردن لباس‌های زینتی مخصوصی را که در زیر لباس عادی یا چادر می‌پوشند جایز نیست؛ به این دلیل قرآن از ظاهر ساختن چنین زینت‌هایی باز داشته است (Sadeghian & Sajedi, 2015). گستره حجاب مصونیت‌ساز، نه محدودیتی برای افراد جامعه است، بلکه همسو با حقوق شهروندی و رعایت ملاحظات زندگی سایر افراد جامعه است. به همین دلیل است که حتی نحوه استفاده از زیورآلات نیز در شریعت اسلام مطرح شده است.

حکم دیگری که در آیه بیان شده این است که: آن‌ها باید خمارهای خود را بر سینه‌های خود ببندازند. «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ». خمر، جمع خمار (بر وزن حجاب) در اصل معنای پوشش را می‌رساند، اما غالباً به چیزی اطلاق می‌گردد که زنان با آن سر خود را می‌پوشانند (روسری). جیوب، جمع جیب (بر وزن غیب) به معنای یقه پیراهن است که از آن تعبیر به گریبان می‌گردد و اغلب به قسمت بالای سینه به تناسب مجاورت با آن نیز گفته می‌شود. از این جمله برداشت می‌گردد که زنان پیش از نزول آیه، دامنه روسری خود را به شانه‌ها یا پشت سر می‌افکندند، به گونه‌ای که گردن و کمی از سینه آن‌ها نمایان می‌شد. قرآن دستور می‌دهد روسری خود را بر گریبان خود بیفکنند تا هم گردن و هم آن قسمت از سینه که بیرون است، پوشیده شود. حکم سوم در این باره مواقعی را که زنان می‌توانند در آنجا حجاب خود را بردارند و زینت پوشیده خود را نمایان کنند با این عبارت پاسخ می‌دهد: آن‌ها نباید زینت خود را نمایان کنند «وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ»، مگر در دوازده مورد؛ از قبیل همسر و فرزندان و... (Makarem Shirazi, 1995). بنابراین مسئولیت فردی زن و مادر در نظام اجتماعی هم در خانواده و هم در ارتباط با دیگران می‌بایست مبتنی بر پوشش آراسته و الگویی برای اعضای خانواده خود باشد تا بتوان از حقوق سایر افراد جامعه حمایت به عمل آورد (Maleki Boroujeni, 2017). بنابراین با عمل به احکام شرع، نقطه آغاز احترام به حقوق سایر افراد جامعه در خانواده شروع می‌شود که به صورت پیوسته وارد جامعه شده و تعامل با دیگران را نیز در قالب احترام به عقیده دیگری بنا می‌سازد.

حضرت علی -علیه‌السلام- در توصیه و سفارش خود به امام حسن -علیه‌السلام- لازمه تقید به حجاب را برای زنان امر کرده، و آن را عاملی برای نگاهداری و سلامتی آنان در نظر می‌گیرد. ایشان می‌فرمایند: «در پرده حجاب نگاهشان دار، تا نامجرمان را نگاه نکنند؛ چرا که سخت‌گیری در پوشش، عامل سلامت و استواری آنان خواهد بود» (حکمت ۵۳۶). بنابراین حجاب از نظر شرعی و روایات، راهکار مهمی برای ترویج عفت در جامعه و جلوگیری از بی‌عفتی و رفتارهای نابهنجار است. همچنان که این نابهنجاری در تضاد با باور عموم قرار داشته که معنایی جز

تضییع حقوق شهروندان ندارد. این رویه یعنی تضییع حقوق سایر افراد جامعه که نسبت به پوشش خود و دیگران حساس هستند و نیازمند آرامش برای خود و خانواده هستند. بنابراین رفتارهای مناسب شهروندان از یکسو و سازوکارهای تقنینی و اجرایی نظام اسلامی از سوی دیگر، برای حراست از کیان خانواده و پشتوانه بودن برای ترویج حجاب و عفاف، امری بدیهی است. زیرا شهروندان به دلیل حقوقی که در جامعه دارند، نیازمند آسایش و آرامش بوده و منافع جمع، اخلاق عمومی و خیر جمعی ایجاب می‌کند که دولت به عنوان یک شخصیت حقوقی و ورای دیدگاههای فردی حضور مؤثر داشته باشد و از تضییع حقوق شهروندان جلوگیری نماید. زیرا دولت و قوانین ارائه شده توسط آن، محور اساسی در مرزبندی حقوق و تکالیف شهروندان در جامعه است (Javid, 2009). این بدان معناست که دولت، در صورت مشاهده عدم رعایت پوشش مناسب افراد، در راستای حمایت از حقوق شهروندان، موارد نقض قوانین را جرم انگاری کرده و با متخلفان برخورد کند. هم اصل چهار قانون اساسی به دلیل توجه به پیاده شدن احکام شریعت در مقررات و قوانین و هم ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نقش مهمی در جلوگیری از ناهنجارهایی نظیر بی‌حجابی و برخورد با هنجار شکنان دارد. هرچند که داشتن یک قانون مدون و قابل اجرا در زمینه عفاف و حجاب، هم از ارزش‌های جامعه حمایت می‌کند و هم اینکه نقش مهمی در جلوگیری از تضییع حقوق شهروندان از حیث باور داشتن و رعایت حجاب به عنوان یک ارزش اجتماعی دارد.

نتیجه‌گیری

حقوق شهروندی در نظام‌های سیاسی و حقوقی، ابعاد و زوایای مختلفی دارد که بیش از همه وابسته به نظام ارزشی، هنجارها و عرف مردم آن جامعه است. از این رو حقوق شهروندی اسلامی نیز ناظر بر رعایت حقوق افراد جامعه اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مدنی است که با توجه به نقش مهم احکام شریعت در تدوین قوانین و مقررات، ارتباط معتنابهی میان حقوق شهروندی و احکام شریعت دارد. ضمن اینکه در جامعه اسلامی، حجاب به عنوان یک هنجار و ارزش پذیرفته شده است و بی‌توجهی به آن به معنای نقض هنجارهای پذیرفته شده آحاد مردم می‌باشد. در نگرش فقهی و حقوقی اسلام، ضرر نرساندن به دیگری به عنوان پشتوانه حمایت از حجاب در نظر گرفته شده است. یعنی اینکه حجاب هم در عرصه فردی و هم در عرصه اجتماعی، مانعی برای خسارت به فرد و جامعه تلقی شده و نیازمند حراست از آن است. همچنان که بر مبنای همین قاعده، قانون اساسی، آزادی افراد را به شرط عدم نقض و اخلال در نظم عمومی پذیرفته است که در اصل بیانگر این مطلب است که افراد جامعه نباید با دامن زدن به بی‌حجابی، موجبات ضرر به دیگران و اخلال در نظام عمومی را ایجاد نمایند. حجاب مصونیت‌ساز از جهت حق و تکلیف نیز قابل بررسی است؛ بدین معنا که هر شهروندی در قبال سایر افراد جامعه و از جمله اعضای خانواده خود دارای حق و مسئولیتی است که در موضوع حجاب، لزوم داشتن پوشش مناسب، غیرت نسبت به زن، مادر و خواهر و ترویج عفاف در میان آنان، بخشی از این مسئولیت است. در صورتی که مسئولیت افراد جامعه نسبت به پوشش اعضای خانواده و نزدیکان و حتی سایر افراد جامعه، به سهل‌انگاری دچار شود، بی‌عفتی در جامعه گسترش پیدا می‌کند. این مسئولیت در آیات و روایات به عنوان معروف شناخته شده و سلب مسئولیت از آن حتی می‌تواند به عنوان گناه در نظر گرفته شود. اما حجاب مصونیت‌ساز از جهت خیر جمعی نیز مدنظر است، به این دلیل که تقدم حقوق جمعی بر حقوق فردی لجام گسیخته، بیش از آنکه حامی حقوق فردی باشد، ناقض حقوق دیگران و زمینه ساز نقض هنجارهای سایر شهروندان خواهد بود. این بدان معناست که حتی برای خیر جمعی دولت باید مداخله داشته باشد و هم اصل چهارم قانون اساسی به عنوان حامی ابتدای قوانین و مقررات و احکام شریعت، و هم ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نقش مهمی در دفاع از خیر جمعی ایفا می‌کنند. با این حال در عرصه فرهنگی، نیازمند توجه به اصل غیرت در خانواده و محیط زندگی و در عرصه

اجرائی نیز لزوم ایجاد یک قانون جامع و تخصصی در زمینه عفاف و حجاب است تا بتوان نسبت به حمایت از حقوق شهروندی اسلامی در جامعه اسلامی، اقدامات عملی انجام داد.

پیشنهادهای

- توجه به اصل غیرت در زمینه ممانعت از فرهنگ بی‌عفتی در میان اهالی خانواده؛
- درک عمیق از حقوق شهروندی اسلامی از جهت ملاحظه حقوق معنوی افراد و باورهای آنان به موضوع حجاب؛
- جرم‌انگاری بی‌حجابی به موجب یک قانون مدون که هم جنبه تنبیهی و هم جنبه تشویقی داشته باشد؛
- شناسایی انگیزه افراد بد حجاب و بی‌حجاب توسط جامعه‌شناسان و روانشناسان و پرداختن به راهکارهای بازسازی رویکرد افراد بد حجاب.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

In Islamic jurisprudence, hijab is not merely a private or individual matter, but a public value that reflects the integration of religious norms with broader notions of societal structure and citizenship. This article explores the concept of "protective hijab" as both a religious obligation and a component of Islamic citizenship rights, grounding its inquiry in the constitutional framework of the Islamic Republic of Iran. The authors begin by outlining the varying interpretations of citizenship across different societies and legal systems, suggesting that in Iran's post-revolutionary context, the principles of Islamic Sharia inform the development of citizenship rights. Although the term "citizenship rights" is not explicitly stated in the Iranian Constitution, provisions such as Article 4 and Chapters on "Rights of the Nation" implicitly integrate Islamic values, including hijab, into the societal norms and expectations. The analysis contends that hijab serves not only as a personal religious duty but as a protective mechanism for communal well-being, preventing harm and fostering an environment conducive to moral and social integrity. Importantly, the study poses a central research question: in what ways can protective hijab contribute to the realization of Islamic citizenship rights?

The discussion proceeds by engaging with prior academic literature on hijab, human rights, and social responsibility, which frame hijab within discourses of freedom, harm prevention, and public decency. Scholars such as Zahedian and Sadri Arahmi argue that legislation banning hijab in countries like France constitutes a violation of the very principles of freedom of expression those legal systems claim to uphold (Zahedian & Sadri Arhami, 2020). Meanwhile, Maleki Boroujeni emphasizes the notion of responsible freedom, arguing that behaviors such as unveiling in public spaces constitute social harm and violate the collective order (Maleki Boroujeni, 2017). This literature underpins the claim that hijab, rather than being an imposition, aligns with societal interests and legal mandates. Goudarzi extends this argument by affirming that while women's dress is an individual right, its expression in public spheres requires consideration of communal rights and

religious values (Goudarzi, 2017). Moreover, Gholami's work underscores the obligation of the state to enforce moral standards, including hijab, as part of its Islamic mandate (Gholami, 2013). This jurisprudential consensus provides a foundation for interpreting hijab not only as a religious norm but as a legally and morally protected social expectation in Islamic society. These precedents help position hijab within the broader realm of Islamic citizenship, characterized by mutual responsibility and the balance between individual freedoms and communal ethics.

From a doctrinal perspective, Islamic citizenship is deeply tied to principles such as human dignity, justice, and responsibility. Verses from the Quran emphasize the inherent dignity of mankind and call for social structures that support spiritual and moral development. The authors highlight that this dignified existence necessitates a clean and secure social environment where modesty, including appropriate dress, acts as a safeguard against moral corruption. Justice is another pillar of Islamic citizenship rights, as delineated in Quranic injunctions such as "Indeed, Allah commands justice and good conduct" (Quran 16:90), which impose a dual obligation on both citizens and the state. Such verses are echoed in the sayings of Imam Ali and Imam Sadiq, who linked personal conduct with collective justice. Furthermore, citizenship in Islam involves a self-reflective awareness of one's responsibilities to others, a view that aligns with Motahhari's interpretation of self-knowledge as the starting point for ethical behavior (Motahhari, 2009). The duty to maintain chastity and public morality, therefore, becomes part of the ethical compass that guides individual conduct in public. This doctrinal foundation strengthens the argument that protective hijab—defined by modest clothing and respectful behavior—is a tangible expression of the values of Islamic citizenship.

The study then analyzes the principle of "no harm," derived from the Islamic legal maxim "la darar wa la dirar," as a justification for protective hijab. This principle prohibits causing harm to oneself or others, making modest attire a societal safeguard. The work of Makarem Shirazi supports this interpretation, positing that Islam's moral code aims to minimize societal discord through proactive regulation of conduct (Makarem Shirazi, 2012). Additionally, the authors invoke the role of "ghayrah" (protective jealousy), a culturally and religiously significant trait expected of men to safeguard the honor and modesty of their female family members. Narrations from Islamic tradition, including those attributed to Prophet Muhammad and Imam Ali, emphasize male responsibility in ensuring that women uphold public decency through appropriate dress (Majlesi, 1983; Meshkini, 2017). In this context, protective hijab is portrayed not as coercion but as a collective duty shared among family members and the larger community. The authors also highlight that extremism or laxity in enforcing hijab norms may backfire, underscoring the importance of moderation and ethical methods in social guidance. Quranic verses warning against inciting corruption or lewdness in society further reinforce the legitimacy of implementing protective hijab as a preventive measure against social degradation. The article continues by framing protective hijab as part of a rights-duties equilibrium inherent to Islamic citizenship. Citizenship in this context is not an entitlement divorced from responsibility; rather, it implies mutual obligations between the state and the individual, as well as among citizens themselves. Javid notes that rights and duties are not dichotomous but relational and dynamic (Javid, 2009). Accordingly, the obligation to wear hijab is conceptualized not only as a personal commitment but as a communal necessity in safeguarding public decency and moral order. The authors compare Islamic notions of restrained desire and moderated freedoms with secular legal systems, noting that while the latter often base restrictions on maximizing material utility, Islam ties its restrictions to ethical perfection and collective well-being (Falsafi, 2000). They argue that hijab is a preventive tool in regulating desires and maintaining social harmony, citing narrations from Prophet Muhammad that highlight divine favor toward those who embody chastity and modesty.

(Kulayni, 2014). Thus, protective hijab is situated within a broader legal and moral system where modesty becomes a mechanism for aligning individual behavior with societal welfare. Even those who “pretend” chastity, the authors argue, are viewed favorably in Islamic tradition because their outward conformity contributes to societal order (Qomi, 2017).

Further, protective hijab is positioned as a contributor to public good and familial stability. Drawing from both theological texts and sociological analysis, the authors contend that the family serves as the first institution in which modest behavior is cultivated, and that the attitudes of family members toward hijab reflect broader societal trends. If modesty is promoted within the household, it is more likely to be upheld in public life. Conversely, when men fail to exhibit protective jealousy or neglect their moral responsibilities, women’s modesty is compromised, leading to social disarray. Narrations from Imam Sadiq and Imam Ali emphasize that modesty is a woman’s greatest asset and that the loss of this virtue undermines both family honor and societal decency (Majlesi, 1983). Thus, hijab is not only a symbol of religious adherence but also a practice that preserves family unity, prevents moral decay, and upholds communal peace. The Qur'an's commands on concealing adornments, wearing veils properly, and limiting public exposure of beauty are referenced to demonstrate that hijab regulations are not arbitrary but carefully structured for the preservation of ethical public conduct (Makarem Shirazi, 1995; Sadeghian & Sajedi, 2015). This regulation of visual aesthetics plays a crucial role in maintaining social boundaries and preventing the erosion of public morality. In effect, hijab becomes an instrument of social regulation that reflects and protects the values of Islamic citizenship.

In conclusion, the article underscores that protective hijab, far from being a private or isolated practice, embodies a multidimensional framework that integrates spiritual, legal, and civic responsibilities. The Islamic approach to citizenship interweaves rights with duties and individual freedoms with communal obligations. As a value embedded in both Sharia and constitutional interpretation, hijab functions as a social contract between the state, individual, and society, ensuring the preservation of collective morality and protection of public rights. From a policy perspective, the authors advocate for both cultural education and legislative measures, including the formulation of a comprehensive hijab law. The Constitution’s Article 4, alongside Article 638 of the Penal Code, are cited as legal bases for enforcing dress norms, while also calling attention to the necessity of moderate, respectful implementation strategies. Ultimately, the authors argue that safeguarding hijab is not only a defense of religious values but a defense of the very fabric of Islamic social citizenship. Through the lens of harm prevention, ethical responsibility, and public good, protective hijab is portrayed as essential to the realization of a just and spiritually grounded civic order.

References

- Akbari, M. (2002). *Honor and Its Vulnerabilities*. Golestan Publications.
- Falsafi, M. T. (2000). *Philosophical Discussions on Children from the Perspective of Heredity and Education*. Islamic Culture Publishing Office.
- Gholami, A. (2013). Theoretical Foundations of State Intervention in the Issue of Hijab. *Public Law Quarterly*, 2(6), 47-67.
- Goudarzi, S. (2017). Women's Right to Dress and the Islamic Revolution. *Biannual Journal of Human Rights and Citizenship*, 2(1), 41-60.
- Hur Amili, M. b. A. (1996). *Wasa'il al-Shia ila Masa'il al-Sharia*. Al-Bayt Institute Publications.
- Javadi Amoli, A. (2007). *Rights and Duties in Islam*. Asra Publishing Center.
- Javid, M. J. (2009). *The Theory of Relativity in Citizenship Rights*. Gerayesh Publishing.
- Kulayni, M. b. A. (2014). *Usul al-Kafi*. Dar al-Thaqalayn Publications.
- Majlesi, M. B. (1983). *Bihar al-Anwar*. Islamic Publications.
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir Noor*. Ali Ibn Abi Talib School PublicationsER -.

- Makarem Shirazi, N. (2012). *The Principle of No Harm*. Imam Ali Ibn Abi Talib Publications.
- Maleki Boroujeni, N. (2017). The Relationship Between Hijab, Human Rights, and Citizenship. *Biannual Journal of Islamic Human Rights Studies*, 6(13), 139-168.
- Mesbah Yazdi, M. T. (2016). *A Brief Introduction to the Theory of Guardianship of the Jurist*.
- Meshkini, A. (2017). *Al-Mawa'idh al-Adadiyah*. Dar al-Hadith Publishing Organization.
- Motahhari, M. (2009). *The Issue of Women*. Sadra Publications.
- Nash, K. (2010). *Contemporary Political Sociology: Globalization, Politics, Power*. Kavir Publishing.
- Qomi, S. A. (2017). *Safinat al-Bihar*. Astan Quds Razavi Research Foundation Publications.
- Sadeghian, E., & Sajedi, A. M. (2015). The Philosophy of Hijab and Modesty in Islam and Its Relationship with Mental Health in Individual and Social Life. First National Conference on Islam and Mental Health,
- Sheikh Saduq, M. A. I. B. (2002). *Al-Khisal*. Islamic Publications.
- Tabatabai, S. M. H. (1995). *Tafsir al-Mizan*. Islamic Publications.
- Zahedian, M. H., & Sadri Arhami, M. (2020). Examining the Position of Hijab in Human Rights from the Perspective of Universalism and Relativism. *Scientific, Cultural-Educational Journal of Women and Family*, 15(52SP - 85), 109.